



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417

DOI: 10.30479/mfh.2022.2829



Solutions for De-challenging from Bada's Teaching in Hadiths

Mohamma Hassan Nadem¹

Abstract

Bada is one of the special religious doctrines of Shiites. Bada is defined in the traditions as follows: God's hand is open for erasing and proving, bringing forward and backward, and for any change and transformation in the world at any time and in any form, while He had knowledge of the entire universe before creation, and undoubtedly, the knowledge of the prophets and angels also comes from His knowledge. However, there is an issue that has apparently challenged bada's topic, and that is, any change and transformation are caused by previous ignorance and subsequent knowledge, so it does not apply to God, who has eternal and absolute knowledge. Therefore, to resolving this problem, many solutions have been proposed. This article aims to examine the solutions presented in the traditions to show that divine bada is not because of ignorance or lack of knowledge. This is because of Shia attention to all aspects of theological issues. Also, in order to overcome any possible problem, including the most important challenge of the incompatibility of bada with divine knowledge, a scientific and persuasive solution has been presented.

Keywords

Doctrine of Bada, Traditions of Bada, Bada's Theological Challenge, Solutions to Overcome the Challenge of Bada.

Article Type: Research

1. Associated Professor, University of Religions and Religions, Faculty of Shia Studies, Department of Shia Theology. .Email: nadem185@yahoo.com

Received on: 14/05/2022 Accepted on: 13/09/2022

Copyright © 2022, Nadem

Publisher: Imam Khomeini International University.





شابا بانی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شابا مرکز: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فہم حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2022.2829

راہکارہای چالش زدایی از آموزہ بداء در روایات

محمدحسن نادم^۱

چکیده

بدا از جمله آموزہ‌های اعتقادی مورد توجه خاص شیعیان است. تعریف بدا در روایات چنین آمده است که دست خداوند برای محو و اثبات، تقدیم و تأخیر و برای هر تغییر و تحولی در هر زمان و به هر کیفیت در عالم تکوین باز است در حالی که به همه کائنات قبل از خلق علم داشته و علم انبیا و فرشتگان نیز ناشی از علم او است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد. اما پرسشی مطرح است که بحث بدا را به حسب ظاهر با چالش روبرو کرده است و آن این‌که هرگونه ایجاد تغییر و تحولی ناشی از جهل سابق و علم لاحق است، بنابراین در باره خداوند که دارای علم ازلی و مطلق است چگونه خواهد بود؟ برای پاسخ به این پرسش و چالش‌های دیگر تا کنون اقدامات علمی فراوانی انجام گرفته و راهکارهای متنوعی ارائه شده است. این جستار بنا دارد راه حل‌های ارائه شده در روایات را مورد بررسی قرار دهد تا نشان دهد بدای الهی ناشی از جهل و عدم علم نیست زیرا در نظام اعتقادی شیعه که مبتنی بر قرآن و سنت است، به همه جوانب مسائل کلامی از جمله مسئله بدا و چالش‌های فرضی آن توجه شده است و برای برون رفت از هر گونه احتمال چالش‌افزایی از جمله مهمترین چالش ناسازگاری بدا با علم الهی راہکار علمی و اقناعی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها

آموزہ بداء، روایات بداء، چالش کلامی بداء، راہکارہای رفع چالش از بداء.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشیار دانشگاه ادیان و مذہب، دانشکدہ شیعه‌شناسی، گروه کلام شیعه. nadem185@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

بدا از آموزه‌های اختصاصی شیعیان است که از دیرباز تا کنون در کانون توجه علمای امامیه با رویکردهای متفاوت قرار داشته و در باره آن اظهارنظرهای فراوانی شده است. اما آنچه بیش از هر چیز بدا را به وادی جدال‌های کلامی کشانده و مخالفان و موافقانی را به کنش و واکنش وا داشته است، طرح بحثی است که از آن به چالش پیش روی بدا یاد شده است. از این رو برای رفع این چالش تلاش‌های علمی فراوانی انجام گرفته است و هر کدام متوسل به راه‌کار و تبیینی متفاوت برای برون رفت از این چالش شده‌اند که بخش قابل توجهی از آن راه‌کارها بر گرفته از روایات معصومین (ع) است.

صرف نظر از روش‌های علمی دیگر که هر کدام به نوبه خود در تبیین، تفهیم، توجیه و دفاع از آموزه‌های اعتقادی نقش بایسته دارند و در جایگاه مناسب خود مورد استفاده قرار می‌گیرند، در این جستار فقط به راه‌کارها و تبیین‌هایی که از روایات برداشت می‌شود پرداخته خواهد شد، تا نشان دهد در بسیاری از موارد چندان ضرورتی در مراجعه به نگاه‌های انتزاعی و تحلیل‌های عاری از استناد شرعی و فلسفه‌ورزی‌ها و تحلیل‌های شهودی دیده نمی‌شود. البته لازم به ذکر است که آموزه بدا بیشتر خاستگاه روایی دارد و روایات آن ظرفیت پاسخ‌گویی به چالش‌های پیش روی آن را دارد و به این جهت است که این جستار فقط به راه‌کارها و تبیین‌های ارائه شده در روایات بسنده کرده است.

لازم به یادآوری است، آموزه بداء از جمله آموزه‌هایی است که در منابع شرعی به گونه‌ای بیان شده است که برای داشتن تصور صحیح از آن باید بر مفاهیم اصلی و مهم در مورد ذات خدا، علم خدا، بطلان عقاید مشرکانه یهودیان، علم پیامبر و امام نیز قبلاً مروری داشت تا به نتیجه مطلوب رسید، اما این جستار چون به دنبال دریافت پاسخ چالش‌ها از نگاه روایات است، از هرگونه مباحثی که در فهم بدا نقش ایفا می‌کنند فاصله می‌گیرد، فرض را بر تثبیت و پذیرش بدا می‌گذارد و با استفاده از روش درون متنی روایات فقط به دلالت و درایت روایات بسنده می‌کند تا راهکارهای برگرفته شده از متن روایات را بنمایاند. البته ناگفته نماند که در بسیاری از بحث‌های روایی بررسی سندی و دلالتی هم‌زمان انجام می‌پذیرد که در این جستار با توجه به محدودیت از بررسی سندی روایات صرف نظر شده است.

بدا از جمله آموزه‌های کلامی است که در سده‌های اخیر پیرامون آن تحقیقات فراوانی با عناوین مختلف و با رویکردهای متفاوت انجام گرفته است و تحقیقات انجام گرفته نشان می‌دهند که به همه جوانب و ابعاد بدا کم و بیش پرداخته شده است (ر.ک:

اخوان و نبوی، ۱۳۹۵ش، ۱۵۲-۱۷۷)، در بیشتر تحقیقات انجام گرفته نیز از روایات مربوط به بداه استفاده شده است اما آنچه در بسیاری از آن تحقیقات متنوع مورد توجه قرار گرفته اثبات بداه و تطبیق آن با نظر دیگر مذاهب اسلامی و نگاه اندیشمندان با رویکردهای متفاوت و ... بوده است. آنچه در بین تحقیقات موجود کمتر به چشم می‌آید تحقیقی است که روایات را از این منظر بر رسیده باشد بنابراین احساس شد پژوهشی لازم است که بطور مستقل به راه‌کارهای ارائه شده در بر طرف نمودن چالش‌های پیش روی بداه از نگاه روایات پردازد، از این‌رو برای جستار پیش رو پیشینه خاصی در حد اطلاع صاحب این قلم یافت نشد و چنان‌که اشاره شد مطالب مربوط با این موضوع به طور پراکنده و اشاره در دیگر آثار آمده است که می‌توان جامعیتی را به دست دهند، اما با عنایت به اهمیت و ضرورت تکمیل پرونده علمی بحث بداه، چنین تحقیقی با توجه به نگاه اختصاصی به روایات لازم و ضروری می‌نماید.

۲. بداه در روایات

علامه مجلسی در کتاب «بحارالانوار» هفتاد روایت که بیشترین عدد در باره بداه می‌باشد گرد آورده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴: ۹۴-۱۲۲). شیخ کلینی در کتاب «کافی» به شانزده حدیث (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۸-۱۴۶) و شیخ صدوق در کتاب «التوحید» به یازده حدیث در باب بداه بسنده کرده اند (صدوق، بی‌تا، ۳۳۳-۳۳۵). از شانزده حدیث اصول کافی هشت حدیث آن در توحید صدوق نیامده است، اما صدوق در روایت اضافه بر روایات کتاب کافی آورده است که در سند آن‌ها خدشه نموده است (همان). بنابراین چنانچه ملاک بررسی روایات کافی باشد به روایات کتاب صدوق نیز پرداخته می‌شود. از شانزده روایتی که در کتاب کافی آمده است، در نه روایت لفظ بداه آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۶-۱۴۸، ح ۸، ۲، ۱، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۱۶) و در هفت روایت دیگر بداه به صورت غیر مستقیم مورد توجه قرار گرفته است. از روایاتی که در آن‌ها لفظ بداه ذکر شده، پنج روایت در باره جایگاه، اهمیت و اقرار انبیاء به آموزه اعتقادی بداه است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۶-۱۴۸، ح ۱، ۲، ۱۲، ۱۳ و ۱۵)؛ سه روایت به رابطه علم خداوند با بداه اشاره دارند (همان، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۶-۱۴۸) و یک روایت نیز به ارتباط بداه با علم، اراده، مشیت، قضاء و قدر الهی اختصاص یافته است (همان، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۸، ح ۱۶). اضافه بر آنچه بطور اختصاصی در باب بداه کتاب کافی و توحید یاد آور شدیم در باب‌های دیگر کتاب کافی نیز به روایات مرتبط دیگری اشاره شده است، مانند: بابی

کہ اشارہ بہ نص برای امامت امام عسکری (ع) دارد (همان، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۲۷، ح ۵، ۸، ۹ و ۱۰) و بابی کہ در بارہ ولادت پیامبر اعظم (ص) است (همان: ۴۴۷، ح ۲۳، ۲۴).

بنابراین از مجموع روایات مورد نظر در دو کتاب کافی و توحید کہ مورد قبول علمای امامیہ با رویکردهای متفاوت قرار گرفته است (میرداماد، ۱۳۴۷ش، ۸؛ ملا صدرا، بی تا، ۳۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴: ۱۲۳). دو مسئلہ مهم بہ اثبات می رسد؛ اول اثبات اصل بدا، دوم اثبات انجام بدا توسط خداوند؛ از روایاتی کہ اصل مسئلہ بدا را اثبات می کنند، بہ دو روایت از باب نمونہ اشارہ می شود: در یک روایت امام صادق (ع) فرمود: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِتَحْرِيمِ الْخَمْرِ، وَ أَنْ يُقَرَّ لِلَّهِ بِالْبَدَاءِ، هَرُغَزِ پیامبری بر انگيخته نشدہ مگر این کہ اقرار بہ بدا برای خداوند نمودہ است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۸)، در روایت دیگری نیز فرمود: «مَا تَبَيَّنَ نَبِيٌّ قَطُّ حَتَّى يُقَرَّ لِلَّهِ بِخَمْسِ خِصَالٍ: بِالْبَدَاءِ، وَ...، هیچ پیامبری بہ مقام نبوت نرسیدہ است مگر این کہ اقرار بہ پنج ویژگی برای خداوند نمودہ است، بداء و...» (صدوق، بی تا، ۳۳۳)، در روایات اخیر امام صادق (ع) بہ پیشینہ اعتقاد بہ بدا تصریح کردہ است کہ از زمان حضرت آدم (ع) شروع شدہ و تا پیامبر خاتم (ص) ادامہ داشتہ است، ہمہ انبیاء بہ آن اقرار نمودہ اند.

از روایاتی کہ نسبت بدا را بہ خداوند اثبات می کنند نیز بہ دو نمونہ اشارہ می شود: روایت اول را شیخ صدوق از امام صادق (ع) نقل کردہ است کہ آن حضرت فرمود: «مَا بَدَأَ لِلَّهِ بَدَاءً كَمَا بَدَأَ لَهُ فِي إِسْمَاعِيلَ أَبِي إِذَا أَمَرَ أَبَاةَ إِبْرَاهِيمَ بِذَبْحِهِ ثُمَّ فَدَاهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ، بدائی مانند بداء بر اسماعیل پدرم (امام فرمود اسماعیلی کہ ما از نسل او هستیم تا با اسماعیلی کہ فرزند خود امام صادق (ع) بود بہ اشتباہ گرفته نشود) برای خداوند تحقق پیدا نکرد هنگامی کہ بہ ابراهیم پدر اسماعیل دستور داد تا او را ذبح کند، آن گاہ ذبح عظیمی (قوچ فرستادہ شدہ از جانب خداوند) فدایی اسماعیل شد» (صدوق، بی تا، ۳۳۶) همچنین در روایت دیگری امام صادق (ع) پس از مرگ اسماعیل فرزند خود، فرمود: «مَا بَدَأَ لِلَّهِ بَدَاءً كَمَا بَدَأَ لَهُ فِي إِسْمَاعِيلَ ابْنِي، بدائی برای خداوند تحقق پیدا نکرد مانند آن بدائی کہ در بارہ فرزندم اسماعیل تحقق پیدا کرد» (همان).

بنابراین بر اساس معنای لغوی کہ اهل لغت برای بدا نمودہ اند (ظہور و پدیدار شدن امری کہ قبلا پنهان بودہ است) (طریحی، ۱۹۸۵م، ۱: ۴۴-۴۵؛ ابن منظور، ۱۴۳۶ق، ۱: ۲۴۷-۲۴۸) و همچنین معنای اصطلاحی کہ متکلمان بر اساس همان معنای لغوی ارائه کردہ اند فقط بر آن امر نوپدید شرایطی را افزودہ اند (علم الہدی، ۱۴۱۱ق، ۵۸۴-۵۸۵؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ۴۰۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱ش، ۲: ۱۰۰) و با توجہ بہ روایات یاد

شده باید باورمندان به بداء را با چالشی جدی مواجه دانست، زیرا اگر بداء از جانب خداوند طبق روایات ثابت است باید بین این دسته از روایات با دیگر روایاتی که علم خداوند را ازلی و مطلق دانسته‌اند تناقض باشد و چه بسا علت رودرویی و تقابل مخالفان و موافقان بداء همین روایات تناقض‌نما بوده است، بدین جهت از دیر باز علمای امامیه بر آن شده‌اند با رویکردهای متفاوت راهکارهایی برای برون‌رفت از این چالش ارائه نمایند. در این جستار چنان‌که قبلاً اشاره شد صرف نظر از دیگر راه‌کارهای عملیاتی و متفاوتی که ارائه کرده‌اند فقط به راهکارهایی که از روایات برداشت می‌شود، پرداخته خواهد شد زیرا قبل از هر چیز راه برون‌رفت از چالش‌های پیش روی بداء در روایات مورد توجه قرار گرفته است.

۳. راهکارهای چالش‌زدای بداء از نگاه روایات

۳-۱. دقت در بررسی روایات بداء

در بعضی موارد مشاهده می‌شود همان روایتی که در آن بداء به خداوند نسبت داده شده است دفع دخل مقدر و یا رفع شبهه از علم خداوند شده است، مانند روایت: «مَا بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا كَانَ فِي عِلْمِهِ قَبْلَ أَنْ يَبْدُو لَهُ، بدائی برای خداوند در مورد هیچ چیزی تحقق نمی‌یابد مگر این‌که قبل از تحقق خداوند به آن علم داشته است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۸). این روایت مشخص می‌نماید که آنچه مورد بداء قرار گرفته است خداوند از قبل نسبت به آن آگاهی داشته است، بر این اساس باید بداء به صورت مجاز به علم خداوند نسبت داده شده باشد نه به صورت حقیقت، و «لام» در «لله» حقیقی ندانست که اگر حقیقی دانسته شود جمله اول با جمله دوم روایت تعارض پیدا می‌کند. همچنان‌که در روایتی دیگر امام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْدَأْ لَهُ مِنْ جَهْلِ؛ خداوند یقیناً از روی نا آگاهی بداء انجام نمی‌دهد» (همان). بنابراین تصریح خود روایات مربوط به بداء این است که بدایی را که خداوند انجام می‌دهد از روی جهل نیست، زیرا چنان‌که در روایت قبل تصریح شد خداوند پیشاپیش از آنچه در بداء تحقق پیدا می‌کند آگاه است.

۳-۲. بداء و نسبت آن با أجل‌های حتمی و غیر حتمی

از امام باقر (ع) درباره آیه «قَضَىٰ أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ، پس از آن اجلی را (برای زندگی شما در دنیا) قرار داد و اجلی معین (که مربوط به آخرت یا غیر قابل تغییر در دنیا است) نزد اوست» (البقره: ۲) سوال شد، امام فرمود: «هُمَا أَجَلَانِ أَجَلٌ مَّحْتُومٌ وَ

أَجَلٌ مُّوَقُوفٌ، اجل الهی دو نوع است، یک اجل حتمی و قطعی است و دیگری موقت و غیر قطعی است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۷)، این دو اجل اگرچه برای غیر خداوند قابل فرض است اما در واقع برای خداوند فرض نمی‌شود زیرا هر دو اجل در واقع برای او یک اجل محتوم است و در ظاهر است که با تحقق بدا اجل غیر محتوم به محتوم تغییر پیدا می‌کند، روایات فراوانی درباره اجل‌های غیر محتوم در منابع حدیثی آمده است، از باب نمونه، امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ وَ مَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ، کسانی که بر اثر گناه می‌میرند بیشتر از کسانی هستند که اجل آن‌ها فرا می‌رسد و کسانی که بر اثر نیکوکاری زنده‌اند بیشتر از آن کسانی هستند که بر اساس عمر معین زندگی می‌کنند» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۳۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵: ۱۴۰)، پس احسان و گناه موجب تغییر در اجل می‌شوند که به آن بدا گویند، بنابراین تغییراتی که موجب می‌شوند اجلی غیر حتمی شود نزد خداوند از ابتدا حتمی بوده است که بدا حتمی بودن آن را برای دیگران آشکار می‌کند.

۳-۳. عرضه روایات متشابه به روایات محکم درباره بداء

در روایات و احادیث اهل بیت (ع) مانند آیات قرآن کریم محکم و متشابه وجود دارد. امام رضا (ع) فرمود: «... مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ النَّاسِيخَ مِنَ الْمَنْسُوخِ وَ الْمُحْكَمَ مِنَ الْمُتَشَابِهِ فَقَدْ هَلَكَ وَ أَهْلَكَ؛ کسی که بر مردم فتوا بدون آگاهی می‌دهد و او از ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه اطلاعی ندارد هم خود هلاک می‌شود و هم دیگران را به هلاکت می‌اندازد» (صدوق، ۱۳۷۸ش، ۱: ۲۹۰). اظهار نظر و داوری بدون آگاهی از محکم و متشابه پایان دردناکی دارد پس همان‌طور که مفسر باید آگاه به محکم و متشابه آیات قرآن باشد، کسی که در باره روایات نیز می‌خواهد داوری کند باید توجه به محکم و متشابه آن‌ها داشته باشد که غیر از این موجب هلاکت و هلاک کردن می‌شود. از این رو بررسی روایات بدا نیز باید بر همین اساس انجام پذیرد، محکم و متشابه روایات هر دو مورد توجه قرار گیرند، در روایات بدا چیزی به خداوند نسبت داده شده است که به حسب ظاهر با علم خداوند سازگاری ندارد، یا درباره این‌که اگر پیامبر یا امامی و عده‌ای داد و تحقق پیدا نکرد آیا آن‌ها از این تغییر آگاه بوده‌اند یا نه؟ این‌ها مطالبی است که با مراجعه به بعضی از روایات مشاهده می‌شود بنابراین برای رفع این ابهام‌ها باید به سراغ روایات دیگری رفت که تکلیف علم خداوند و علم پیامبر و امام را به صراحت مشخص کرده باشند و از روایات مبهم رفع ابهام می‌کنند.

۳-۴. علم خداوند از نگاه روایات

علم خداوند نسبت به مخلوقاتش قبل و بعد از خلق یکسان است و تفاوتی ندارد، ازلی و ابدی و مطلق است، به علت وضوح بحث و کثرت نصوص در این مورد به ذکر چند نمونه از روایات بسنده می‌شود.

از امام صادق (ع) پرسیده شد: آیا امروز، خداوند چیزی را می‌داند که دیروز نمی‌دانست؟ فرمود: «نه. هرکس این را بگوید، خداوند، خوارش کند!». گفتم: نظرتان این است که هرچه تاکنون بوده و هرچه تا قیامت خواهد بود، در علم خدا هست؟ فرمود: «مَا بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا كَانَ فِي عِلْمِهِ قَبْلَ أَنْ يَبْدُو لَهُ، خداوند درباره چیزی بدا انجام نمی‌دهد مگر این‌که به آن بدا قبل از تحقق علم داشته است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۸). در روایت دیگری ایوب بن نوح می‌گوید: به امام هادی (ع) نوشتم و از علم خداوند به اشیاء قبل از خلقتشان سوال کردم که آیا خداوند نمی‌داند تا این‌که با اراده دیگران چیزی را خلق نماید و علم به مخلوقات هنگام خلقت و تکون آن‌ها پیدا می‌کند؟ پس آن حضرت به خط خود نگاشتند که: «لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَالِمًا بِالْأَشْيَاءِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْأَشْيَاءَ كَعِلْمِهِ بِالْأَشْيَاءِ بَعْدَ مَا خَلَقَ الْأَشْيَاءَ، همیشه و در همه احوال خداوند به همه اشیاء قبل از خلقتشان عالم است مانند علمی که او بعد از خلقت اشیاء به آن‌ها دارد» (همان، ۱۰۷). شبیه همین روایت را محمد بن مسلم نقل کرده است، او گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود: «كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا شَيْءَ غَيْرُهُ وَ لَمْ يَزَلْ عَالِمًا بِمَا يَكُونُ فَعِلْمُهُ بِهِ قَبْلَ كَوْنِهِ كَعِلْمِهِ بِهِ بَعْدَ كَوْنِهِ؛ خداوند بود و با او چیزی نبود و دائم به آنچه می‌خواست بعدا بوجود بیاید علم داشت، پس علم او قبل از تکون اشیاء و بعد از آن همانند است» (همان).

پس با تصریح این روایات درباره علم خداوند، علم قبل و علم بعد معنا پیدا نمی‌کند، چرا که علم قبل او مانند علم بعد او است، بنابراین اگر سخن از بداء توسط خداوند گفته می‌شود، باید توجه داشت که بدای او هیچ تغییر و تحولی در علمش پدید نمی‌آورد.

۳-۵. علم پیامبر و امام از نگاه روایات

روایات زیادی با مضمون روایات زیر وجود دارد که در باره علم پیامبر و امام است و گستردگی قلمرو علم آن‌ها را نشان می‌دهند که به چند نمونه اشاره می‌شود؛ امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ سُلَيْمَانَ وَرِثَ دَاوُدَ وَ إِنَّ مُحَمَّدًا وَرِثَ سُلَيْمَانَ وَ إِنَّا وَرِثْنَا

مُحَمَّدًا وَإِنَّ عِنْدَنَا عِلْمَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَتَبَيَّنَ مَا فِي الْأَلْوَابِ قَالَ قُلْتُ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْعِلْمُ قَالَ لَيْسَ هَذَا هُوَ الْعِلْمُ إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي يُحَدَّثُ يَوْمًا بَعْدَ يَوْمٍ وَسَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ، يَقِينَا سَلِيمَانَ وَارثَ دَاوُدَ وَ مُحَمَّدَ (ص) وَارثَ سَلِيمَانَ وَ مَا وَارثَانَ مُحَمَّدَ (ص) هَسْتِيمَ وَ دَر حَقِيقَتِ نَزْدِ مَا سَتِ عِلْمِ تَوْرَاتِ، اِنْجِيلِ، زَبُورِ وَ بَيَانِ اَنْجَحِه دَر الْوَابِ اَسْمَانِي اِسْتِ. رَاوِي مِي گُوِيْدَ بِه اِمَامِ صَادِقِ (ع) گُفْتِم اِيْنَ هَا عِلْمِ اِسْتِ؟ اِمَامِ فَرْمُوْدَ نِه خَيْرِ اِيْنَ هَا عِلْمِ نَيْسْتِ، عِلْمِ اَنْ چِيْزِي اِسْتِ كِه هِر رُوْزِ پِي دَر پِي وَ سَاعَتِ بِه سَاعَتِ حَادِثِ مِي شُوْدِ) (كَلِيْنِي، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۲۲۴ - ۲۲۵). اِيْنَ رَوَايَتِ عِلْمِ هَمِه اَنْبِيَا گُذْشْتِه وَ كِتَابِ هَايِ اَسْمَانِي اَنْ هَا رَا اِضَافَه بَر عِلْمِي كِه دَر هِر رُوْزِ وَ سَاعَتِي بِه اِمَامِ الْهَامِ مِي شُوْدِ وَ بَر عِلْمِ اَوْ اِفْزُوْدِه مِي گُرْدَد رَا اَز عِلْمِ اِمَامَانَ دَانِسْتِه اِسْتِ.

دَر رَوَايَتِ دِيْگَرِي اِمَامِ صَادِقِ (ع) فَرْمُوْد: «إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - أَخْبَرَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِمَا كَانَ مُنْذُ كَانَتِ الدُّنْيَا، وَ بِمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ الدُّنْيَا، وَ أَخْبَرَهُ بِالْمَحْتُمِ مِنْ ذَلِكَ، وَ اسْتَشَى عَلَيْهِ فِيمَا سِوَاهُ؛ خَدَاوَنْد بَزْرُگ مَرْتَبِه مُحَمَّدَ (ص) رَا آگَا نَمُوْدَ بِه اَنْجَحِه اَز زَمَانِ بُوْدِنِ دُنْيَا گُذْشْتِه وَ بِه اَنْجَحِه تَا زَمَانِ اِنْقِضَايِ دُنْيَا مَانْدِه اِسْتِ وَ آگَا نَمُوْدِه بِه هَمِه اَنْجَحِه دَر دُنْيَا حَتْمِي الْوَقُوْعِ اِسْتِ وَ اَنْجَحِه اِسْتِثْنَا شُوْدِه وَ حَتْمِي الْوَقُوْعِ نَيْسْتِ» (هَمَانِ، ۱: ۱۴۸). دَر اِيْنَ رَوَايَتِ نِيْزِ اِمَامِ صَادِقِ (ع) عِلْمِ پِيَامْبِرِ (ص) رَا بِه گُسْتَرْدُگِي هَمِه عِلْمِ مَرْبُوْطِ بِه دُنْيَا اَز اِبْتِدَا تَا اَنْتَهَا مِي دَانْدِ كِه خَدَاوَنْدِ هَمِه اَنْ هَا رَا دَر اِخْتِيَارِ پِيَامْبِرِ (ص) مِي گُذَارْدِ، اَلْبَتَه فَقَطْ اَز نَوْعِ عِلْمِ حَتْمِي نِه عِلْمِ غَيْرِ حَتْمِي كِه اَنْ هَا اَز دَائِرِه عِلْمِ پِيَامْبِرِ (ص) اِسْتِثْنَا شُوْدِه اِسْتِ.

اَز اِمَامِ بَاقِرِ (ع) سَوَالِ شُدْ شَمَا چِه كَسَانِي هَسْتِيْدِ؟ فَرْمُوْد: «نَحْنُ خُزَّانُ عِلْمِ اللَّهِ وَ نَحْنُ تَرَاجِمَةُ وَحْيِ اللَّهِ وَ نَحْنُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَ مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ؛ مَا خَزَانِه عِلْمِ خَدَا وَ تَرَاجِمِ وَحْيِ خَدَا وَ حِجَّه اَلْهِي بَر هَمِه اَنْ هَايِي كِه زِيْرِ اَسْمَانِ وَ رُوِي زَمِيْنِ هَسْتِنْدِ، مِي بَاشِيْمِ)» (هَمَانِ، ۱: ۱۹۲). دَر اِيْنَ رَوَايَتِ اِمَامِ خُوْدِ رَا خَزَانِه عِلْمِ خَدَاوَنْدِ، شَارِحِ وَ مَبِيْنِ وَحْيِ وَ حِجَّتِ بَر اَنْجَحِه زِيْرِ اَسْمَانِ وَ رُوِي زَمِيْنِ قَرَارِ دَارْدِ دَانِسْتِه اِسْتِ كِه دَر تَعْيِيْنِ كَمِيْتِ وَ كَيْفِيْتِ هَمِه اِيْنَ مَوَارِدِ عَقُوْلِ عَادِي بَشَرِ حِيْرَانِ اِسْتِ وَ طَبَقِ رَوَايَاتِي كِه اَز اِيْنَ پَسِ اِشَارِه خَوَاهِدِ شُدْ اَز اِسْرَارِ عَالِمِ مَحْسُوْبِ مِي شُوْنْدِ.

بِنَابَرَايِنِ بَا تَوْجِه بِه اِيْنَ گُسْتَرْدُگِي كِه دَر قَلْمَرُو عِلْمِ پِيَامْبِرِ وَ اِمَامِ وَ جُوْدِ دَارْدِ نَبَايِدِ اَز دُو نَكْتِه بَسِيَارِ مَهْمِ غَفْلَتِ نَمُوْدِ؛

اَوَّلِ اِيْنَ كِه طَبَقِ بَرُوْنْدَادِ رَوَايَاتِ اِگَر چِه قَلْمَرُو عِلْمِ پِيَامْبِرِ وَ اِمَامِ بَسِيَارِ گُسْتَرْدِه اِسْتِ كِه حَتْمِي دَر بَعْضِي مَوَارِدِ اِنْسَانِ اَز دَرِكِ وَ فَهْمِ اَنْ عَاجِزِ مِي مَانْدِ اِمَا طَبَقِ تَصْرِيْحِ رَوَايَاتِ

قطعاً به حد و اندازه گستره علم خداوند نمی‌رسد، از این‌رو امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ عِلْمَيْنِ: عِلْمٌ مَكْنُونٌ مَخْزُونٌ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ؛ برای خداوند دو علم است یکی از آن‌ها علمی است که نزد خود او نهان است و غیر از خودش نیز کسی از آن آگاه نیست» و در ادامه فرمود: «مِنْ ذَلِكَ يَكُونُ الْبَدَاءُ؛ وَ عِلْمٌ عَلَّمَهُ مَلَائِكَتَهُ وَ رُسُلَهُ وَ أَنْبِيَاءَهُ، فَتَحْنُ نَعْلَمُهُ؛ از همین علم اختصاصی به خداوند است بداء، و نوع دیگر علمی است که به اطلاع ملائکه و رسولان و انبیاء می‌رساند و ما بر این نوع آگاه هستیم». یعنی خدا دو نوع علم دارد، یک نوع آن اختصاصی ذات حق تعالی است و اگر بدایی رخ داد مربوط به آن علم اختصاصی است و نوع دیگر علمی است که خداوند به ملائکه، رسولان و پیامبران می‌آموزد و ما هم آن‌ها را می‌دانیم. بنابراین هیچ وجه مشترک و کوچکترین نقطه شباهتی میان خالق و مخلوق در علم نیست، چرا که هر آنچه قابلیت توصیف داشته باشد خداوند فراتر و منزّه از آن است؛ بدین جهت روایات زیادی دلالت دارند بر این‌که هیچ‌گاه خالق با مخلوق و مخلوق با خالق در اوصاف قابل مقایسه نیستند، امام رضا (ع) فرمود: «فَكُلُّ مَا فِي الْخَلْقِ لَا يُوجَدُ فِي خَالِقِهِ وَ كُلُّ مَا يُمَكِّنُ فِيهِ يَمْتَنِعُ مِنْ صَانِعِهِ...، هر آنچه در مخلوق است در خالق وجود ندارد و هر آنچه در مخلوق ممکن است در صانع ممتنع است» (صدوق، بی‌تا، ۱: ۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۴-۴۴)، همچنین کسی نزد امام صادق (ع) گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ خُدا بزرگ است، امام فرمود: «اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ فَقَالَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) حَدَدْتَهُ فَقَالَ الرَّجُلُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ قُلِ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ، خداوند از چه چیزی بزرگ است؟ گفت از هر چیزی، امام فرمود: تو حد مشخص کردی، گفت پس چه بگویم فرمود: بگو خدا بزرگ است از آنچه قابل توصیف می‌باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۱۷). بنابراین هرگونه توصیفی از جانب ما برای خداوند چون منجر به تعیین حد و مرز می‌شود، ممنوع است، حتی اگر در مورد علم خداوند باشد.

در نهایت از مجموع روایات مربوط به علم انبیا و امامان که به عنوان نمونه به بعضی از آن‌ها اشاره شد چند مسئله مهم و قابل توجه بر داشت می‌شود؛ اول این‌که رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) خزانه‌دار علم الهی و معدن وحی خداوند هستند؛ دوم این‌که آن‌ها میراث‌دار علوم و الهامات و حیانی تمامی انبیا و ائمه قبل از خود بوده‌اند؛ سوم این‌که خداوند متعال خبر قطعی و علم حتمی از آنچه که در دنیا بوده، هست و خواهد بود را به ایشان عطا فرموده است، چهارم درست است که خداوند آن‌ها را از همه چیز با خبر می‌کند اما این‌طور نیست که همه علوم خود را به طور مطلق در اختیار آن‌ها

قرار دهد، بلکه بخشی از علوم خود را در اختیار آنها قرار می‌دهد، بنابراین اگر بدایی رخ داد مربوط به آن علوم اختصاصی می‌شود که حق تعالی در اختیار خود دارد، نه علوم‌ی که در اختیار انبیا، ملائکه و ائمه (ع) قرار داده است و از آن‌رو که کسی از چگونگی علم خداوند آگاهی کامل ندارد، حق داوری هم ندارد، نمی‌تواند درباره ارتباط بدا با علم خدا اظهار نظر نماید، چنان‌که در راه‌کار بعد نیز بر این امر تأکید می‌شود.

۴. بدا و ارتباط آن با ام‌الکتاب

ام‌الکتاب از حقایقی است که با توجه به این‌که در قرآن مکرر آمده است، روایات نیز تاویل‌هایی بر او ارائه کرده‌اند، و مفسران نیز درباره آن اختلاف نموده‌اند، علامه طباطبایی پس از این‌که از جوانب مختلف درباره ام‌الکتاب بحث کرده است، می‌گوید: آنچه از آیات بر می‌آید اول این است که: ام‌الکتاب نزد خداوند است، دوم این‌که: از هر نوع تغییر و تحول و زوال مصون است و سوم اندیشه و عقل بشر به آن راه ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۱ق، ۱۸: ۱۸۴).

در روایات آمده است که همه آنچه در این عالم تحقق یافته و تحقق خواهد یافت در کتابی نوشته شده است، امام باقر (ع) در باره مکتوب بودن اشیاء در کتاب، می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدْعُ شَيْئًا كَانَ أَوْ يَكُونُ إِلَّا كَتَبَهُ فِي كِتَابٍ فَهُوَ مَوْضُوعٌ بَيْنَ يَدَيْهِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ، فَمَا شَاءَ مِنْهُ قَدَّمَ وَمَا شَاءَ مِنْهُ أَخَّرَ، وَمَا شَاءَ مِنْهُ مَحَا، وَمَا شَاءَ مِنْهُ كَانُ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ؛ خداوند در نظر نمی‌گیرد چیزی را که تکون یافته یا از آن پس تکون می‌یابد مگر این‌که مکتوب کرده در کتابی که آن کتاب پیش روی او قرار دارد، بر آن می‌نگرد آنچه را بخواهد مقدم و آنچه را بخواهد موخر می‌دارد، آنچه را بخواهد محو و آنچه را بخواهد تکون می‌بخشد و آنچه را بخواهد تکون نمی‌بخشد» (صدوق، بی‌تا، ۱: ۱۴۴؛ مجلسی، ۱۴۹۳ق، ۴: ۱۱۸). یعنی کتاب مدونی خداوند به وجود آورده که همه چیز در او نوشته شده است، بر اساس آن هر آنچه را باید مقدم می‌دارد و هر آنچه را باید موخر می‌کند؛ به عبارتی بود و نبود و مقدم و موخر بودن هر چیزی بر اساس آنچه در آن کتاب مکتوب است، می‌باشد، بنابراین هر بدایی بر اساس آنچه در آن کتاب مشخص شده انجام می‌پذیرد و البته هیچ‌کس از آنچه در آن کتاب نوشته شده است آگاه نیست و نمی‌تواند درباره چگونگی آن اظهار نظر نماید، پس نتیجه چنین خواهد شد که همه آنچه را در این عالم تشریعا و تکوینا انجام می‌پذیرد و از آن به بدا یاد می‌شود، بر اساس پیش‌بینی خداوند در آن کتاب مکتوب شده است.

۵. بدا و ارتباط آن با لوح محفوظ

بنابر روایاتی که قبلاً اشاره شد و اکنون نیز بعضی را مرور می‌کنیم علمی که خداوند به پیامبران و اهل بیت (ع) و فرشته‌ها می‌دهد قطعی است، تغییر نمی‌کند و آن‌ها با اظهار علم خود تکذیب نخواهند شد.

امام باقر (ع) فرمود: «الْعِلْمُ عِلْمَانِ: فَعِلْمٌ عِنْدَ اللَّهِ مَخْرُونٌ لَمْ يُطْلَعِ عَلَيْهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ؛ وَ عِلْمٌ عِلْمُهُ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ، فَمَا عِلْمُهُ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ فَإِنَّهُ سَيَكُونُ؛ لَا يُكْذَبُ نَفْسُهُ وَ لَا مَلَائِكَتُهُ وَ لَا رُسُلُهُ؛ وَ عِلْمٌ عِنْدَهُ مَخْرُونٌ، يُقَدِّمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ، وَ يُؤَخِّرُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ، وَ يُثَبِّتُ مَا يَشَاءُ؛ علم دو نوع است یک نوع علمی است که نزد خداوند مخفی است و فردی از مخلوقات بر آن اطلاع ندارند و نوع دیگر علمی است که خداوند به اطلاع ملائکه و رسولانش می‌رساند، آن قسم از علمی که به اطلاع ملائکه و رسولان می‌رساند آن علمی است که از آن پس تکون پیدا می‌کند و قابل تکذیب نسبت به خود او، ملائکه و رسولانش نیست (به عبارتی همان علم محتوم است که در روایت پیشین گذشت) و علمی که در نزد خداوند مخفی است آن علمی است که بنا به مشیت او قابل تقدم و تاخر است، اگر بخواهد به تاخیر می‌اندازد و اگر بخواهد تثبیت می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۷).

طبق این روایت هر آنچه توسط خداوند تغییر و تحول پیدا می‌کند مربوط به علم مخزون الهی است، لذا بدا با علمی که در اختیار ملائکه و انبیاء قرار می‌گیرد ارتباط ندارد، پس علمی که در اختیار ملائکه و انبیاء قرار می‌گیرد و اهل بیت (ع) نیز طبق روایتی که گذشت آن را می‌دانند از نوع علومی است که تغییر نمی‌کند، زیرا اگر بنا بر این است که در چیزی تغییری حاصل شود مانند تحولات در لوح محو و اثبات که مربوط به اعمال افراد است، خداوند پیشاپیش انبیا، فرشته‌ها و اهل بیت (ع) را از آن تحولات و تغییرات آگاه کرده است.

حاصل این‌که بر اساس روایات محکمی که درباره علم پیامبران و اهل بیت (ع) به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره شد و البته تعداد آن‌ها بسیار است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۳: ۱۸۵) معلوم می‌شود هر کجا پیامبر و امام سخن از بدا گفته‌اند ناشی از عدم آگاهی آن‌ها نبوده است و نباید حمل بر بی‌خبری آن‌ها از آن بدا بشود، زیرا چه بسا از روی تقیه یا به جهت اثر تربیتی و آموزشی که دارد و یا امور دیگری که ما از آن‌ها اطلاع نداریم از بدا سخن گفته‌اند، بنابراین خطا از جانب ما است که خیال می‌کنیم آن‌ها بدون اطلاع از بدا سخن گفته‌اند، در حالی که روایات پیشین به ما آموخت که خداوند پیامبر و امام

را به امور حتمی الوقوع آگاه کرده است و امور غیر حتمی از علم آن‌ها استثنا شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۴۸). بنابراین بداهایی که تحقق پیدا کرده است و یا پیدا می‌کند به ام‌الکتاب، لوح محفوظ و علم مکتوم خداوند ربط داشته و دارد و البته اگر خداوند اراده کند از آنچه در خزائن اختصاصی خود دارد در اختیار ملائکه، رسولان و اهل بیت (ع) قرار دهد، چنین خواهد کرد و بعضی از اسرار خود را به آگاهی آن‌ها نیز می‌رساند و چه بسا نحوه آن بر اساس برون داد آیات و روایات چنین است که حقایقی را از لوح محفوظ خارج می‌کند و به لوح محو و اثبات منتقل می‌نماید و آن‌گاه انبیا، ملائکه و رسولان و ائمه (ع) بر آن حقایق آگاهی پیدا می‌کنند، زیرا روایاتی که بدارا به لوح محو و اثبات نسبت داده‌اند به اعتبار این است که تغییر و تحولات در این لوح بر اساس قانون نهایی شده در لوح محفوظ انجام می‌پذیرد و آخرین مرحله از تغییرات در لوح محو و اثبات بر اساس همان چیزی رقم می‌خورد که از ازل در علم نهان و مکتوب خداوند بوده است و این همان بدایی است که خداوند، ملائکه، رسول و اهل بیت (ع) هم از آن اطلاع دارند، پس بدا آشکار شدن امر پنهانی برای دیگران است نه خداوند و برگزیدگان او.

۶. ارتباط بدا با اراده الهی

چالش دیگری که در این مجال قابل توجه است این است که آیا وقتی بدا می‌خواهد تحقق پیدا کند اراده خداوند نیز به حرکت درمی‌آید و اتفاقی را مانند جایگزین کردن ذبح عظیم به جای ذبح اسماعیل رقم می‌زند؟ یا این که نحوه اراده الهی به گونه دیگر است؟

تردیدی نیست که درباره علم و اراده خداوند از دیرباز اختلاف نظرهای فراوانی وجود داشته و متکلمان از مذاهب کلامی با رویکردهای متفاوت در باره آن اظهارنظر و داوری‌هایی نموده‌اند (قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ۶: ۱۷۷-۱۷۹؛ حلی، ۱۴۳۳ق، ۴۰۲). اما پیام قرآن در این باره به گونه‌ای است که این چالش را مرتفع می‌نماید، در قرآن آمده است که: «إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، ما وقتی چیزی را اراده کنیم همین قدر به آن می‌گوییم باش بی درنگ موجود می‌شود» (التَّحَلُّل: ۴۰) پس فاصله ظاهری میان اراده الهی و تحقق امر او، مانند ما انسان‌ها وجود ندارد، اراده در انسان‌ها در بستر زمان انجام می‌شود، میان اراده تا تحقق فعل فاصله است، اما درباره خداوند اگر گفته شود تغییر در اراده دلیل تغییر در تحقق است، چنین قیاسی غیر علمی است چرا که در مورد انسان‌ها اراده و تحقق ملازمت ندارد ولی در مورد خداوند اراده توأم با علم مطلق و ازلی

خداوند است که لایتنیغیر و مکنون است. بر همین اساس در مناظره‌ای که امام رضا(ع) با سلیمان مروزی درباره بداء داشتند، در قسمتی که سلیمان از اراده الهی سوال کرد و بر این باور بود که اراده مانند دیگر صفات خداوند مانند سمیع و بصیر و قدیر ... از اوصاف ذات است، امام رضا(ع) فرمودند: «اوصاف دیگر قبل از وجود و تغییر اشیاء در خداوند بود، اما وقتی می‌خواهد چیزی بوجود آورد و یا تغییر دهد در آن حال اراده می‌کند» (صدوق، ۱۳۷۸ ش، ۱: ۱۸۳). بنابراین اراده می‌شود صفت فعل خداوند که هر گاه می‌خواهد فعلی یا تغییری انجام دهد، اراده می‌کند و البته به اراده‌ای که می‌کند از ازل علم داشته است، از این‌رو اگر بداء را به اراده خداوند نیز برگردانند همچنان با پاسخ‌هایی که به چالش علم داده شد، این چالش نیز مرتفع می‌گردد.

۷. ارتباط بداء با قول یهودیان

یکی از مسائل مهم دیگری که در روایات بداء مورد توجه قرار گرفته است و همه منابع اسلامی، اعم از شیعه و سنی، به ویژه در بحث نسخ به آن پرداخته‌اند، ارتباط بداء با قول یهودیان است که دست خدا را غل شده و خالی از فعالیت می‌دانستند و از این‌رو نسخ و بداء را بر خداوند محال می‌دانستند (ثامرهاشم، ۱۴۱۵ ق، ۲: ۲۱-۲۵). بر این اساس بعضی از روایات طرح مسئله بداء را برای پاسخ به یهودیان دانسته‌اند.

از روایات مربوط به این بحث فقط به دو نمونه اشاره می‌شود؛

از امام صادق(ع) در باره آیه «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ؛ دست خداوند بسته است» آمده است که «لَمْ يَعْنُوا أَنَّهُ هَكَذَا وَ لَكِنَّهُمْ قَالُوا قَدْ فَرَعَ مِنَ الْأَمْرِ فَلَا يَزِيدُ وَلَا يَنْقُصُ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ تَكْذِيبًا لِقَوْلِهِمْ - غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لَعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاةُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ أَلَمْ تَسْمَعْ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ ...، معنای سخن یهود این نیست که دست‌های خدا بسته و در غل است بلکه آن‌ها می‌گویند خداوند با خلقت مخلوقات کارش را به پایان رساند، نه کم می‌کند و نه زیاد. از این‌رو خداوند در تکذیب سخن آن‌ها فرمود: دست‌های خودشان بسته باد و به [سزای] آنچه گفتند از رحمت خدا دور شوند بلکه هر دو دست او گشاده است هرگونه بخواهد می‌بخشد. آیا نشنیده‌اید قول خداوند را که می‌گوید: هر آنچه را خداوند بخواهد محو و اثبات می‌کند» (صدوق، بی‌تا، ۱: ۱۶۸). امام صادق(ع) درباره سخن یهودیان که دست خدا را برای انجام کارها بسته می‌دانند در این روایت به آیه محو و اثبات استناد نمود که همین آیه در بحث بداء هم مورد استفاده قرار می‌گیرد و قبلاً در این باره سخن

گفته شد، به عبارتی امام با طرح مسئله بدا باز بودن دست خداوند را در مقابل قول یهود که خدا را دست بسته می‌دانند، به اثبات رسانده است.

در روایتی که قبلا از قول امام صادق (ع) بیان شد (صدوق، بی تا، ۱: ۱۴۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۹۰)، امام در آن روایت خداوند را فعال معرفی می‌کند که در حال مقدم و موخر کردن اشیاء و محو و اثبات امور است که ما از آن به بدا یاد می‌کنیم. امام رضا (ع) نیز در مناظره‌ای که با سلیمان مروزی در مسجد مرو داشتند به این مسئله به صراحت پرداختند و بدا را مانند نسخ در تقابل با یهودیان قلمداد کردند (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۸ش، ۱: ۱۸۳؛ همو، بی تا، ۲: ۳۳۵-۳۳۶؛ همو، ۱۴۱۳ق، ۴۱-۴۲).

۸. ارتباط بدا با اسرار الهی

راهکار دیگری که از روایات برای حل مشکل بدا می‌توان استفاده کرد این است که گفته شود امکان این‌که کلمه بدا برای خداوند حقیقی به کار رفته است وجود دارد اما مخلوقات فهمی از آن ندارند، از این‌رو قسمتی از بحث بدا به صورت سیر باقی می‌ماند، چرا که در زمره مباحث مربوط به ذات الهی است و اثبات استعاری بودن آن هم نیازمند دلیل شرعی است.

ابن رِبَابٍ از سَدِیر صِیرَفی نقل می‌کند که گفت حُمَرَانُ بنِ اعین از امام صادق (ع) در باره آیه «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيَّ غَيْبِهِ أَحَدًا؛ او دانای غیب عالم است و هیچ‌کس را بر غیب خود آگاه نمی‌کند». سوال کرد حضرت فرمود: «إِلَّا مَنْ أِذْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا وَ كَانَ وَ اللَّهُ مُحَمَّدٌ مِمَّنْ أِذْتَضَا وَ أَمَا قَوْلُهُ عَالِمُ الْغَيْبِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَالِمٌ بِمَا غَابَ عَنْ خَلْقِهِ بِمَا يَقْدِرُ مِنْ شَيْءٍ وَ يَقْضِيهِ فِي عِلْمِهِ فَذَلِكَ يَا حُمَرَانُ عِلْمٌ مَوْقُوفٌ عِنْدَهُ إِلَيْهِ فِيهِ الْمَشِيئَةُ فَيَقْضِيهِ إِذَا أَرَادَ وَ يَبْدُو لَهُ فِيهِ فَلَا يُمْضِيهِ فَأَمَّا الْعِلْمُ الَّذِي يَقْدِرُهُ اللَّهُ وَ يَقْضِيهِ وَ يُمْضِيهِ فَهُوَ الْعِلْمُ الَّذِي انْتَهَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) ثُمَّ إِلَيْنَا؛ مگر آن کس را که به پیامبری برگزیده است که فرشتگان را از پیش رو و پشت سر او می‌فرستد و به خدا سوگند محمد از برگزیدگان بود و اما این‌که خداوند می‌گوید عالم الغیب منم پس او تبارک و تعالی عالم به آنچه از خلق در مقدرات و قضای او غایب است می‌باشد، پس ای حمران این علم نزد اوست تا این‌که مشیت او تعلق گیرد و از قضای او بگذرد زمانی که اراده نماید و چنانچه بدایی در او باشد امضا نمی‌کند و انشا نمی‌نماید. پس آن علمی که خداوند مقدر نماید و مورد قضا و امضای او قرار گیرد علمی است که به رسول می‌رسد و از او به ما» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۵۶).

بر اساس این روایت و روایات مشابهی که قبلاً گذشت بدا تعلق می‌گیرد به علمی که نزد خدا و در مشیت اوست که اگر خواست اراده می‌کند و در آن بدا می‌شود، بنابراین از آن مشیت الهی حتی انبیا هم آگاه نیستند تا چه رسد به انسان‌های عادی. به بیان دیگر عقلاً محال است مخلوق بر خالق احاطه و فهم علمی پیدا کند مگر این‌که خالق اراده کند به کسی از مخلوقات خود افاضه‌ای داشته باشد و اگر افاضه و عنایتی نباشد طبق روایات فراوانی که از تفکر در ذات خداوند نهی کرده‌اند کسی حق ورود به چنین مباحثی را ندارد (صدوق، بی‌تا، ۲: ۴۵۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۳۱). زیرا بدا مربوط به علم ذاتی خداوند می‌شود. بنابراین ما فقط طبق برهان‌های عقلی و شرعی می‌دانیم که خداوند منزّه از هر عیب و نقص است و بیشتر از آنچه به ما رسیده است درباره خداوند حق نظریه‌پردازی نداریم. بر این اساس بر فرض این‌که لفظ بدا برای خداوند به معنای حقیقی نیز به کار رفته باشد و روایات و بحث‌های گذشته نیز نادیده گرفته شود، می‌توان گفت بدا توسط خداوند انجام می‌پذیرد و چون با علم ذاتی خداوند ارتباط دارد ما از فهم آن عاجز و فقط اعتراف می‌کنیم که او از هرگونه نقصی مبرا و منزّه است.

۹. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌هایی که در روایات انجام گرفت، راهکارهای رفع چالش بدا عبارتند از:

- ۱- در علم مکتون خداوند بر اساس تصریح روایات تقدم و تأخر راه ندارد بنابراین بدا از جانب خداوند متوقف بر جهل و تغییر در علم خداوند نیست.
- ۲- با توجه به این‌که علم خداوند دو قسم است، یک قسم اختصاص به خود او دارد و قسم دیگر را به ملائکه و انبیاء و اولیای الهی اطلاع می‌دهد، بر این اساس هیچ تغییر و تحولی که از آن به بدا یاد می‌شود در آنچه به دیگران اعطا کرده است، ایجاد نمی‌شود.
- ۳- بنا به تصریح روایات لوحی که متناسب با اعمال انسان‌ها است لوح محو و اثبات است بنابراین چنان‌که از نام این لوح نیز برداشت می‌شود بدا به این لوح مربوط می‌شود.
- ۴- بنا به تصریح روایات در مواردی که پیامبر و امام سخن از بدا گفته‌اند بدون آگاهی پیشین آن‌ها نبوده است، زیرا خداوند آن‌ها را از علوم حتمی دنیا آگاه کرده است.
- ۵- از دیگر دست‌آوردهای روایات این است که در مقابل نظریه مشرکانه یهود بدا را

می‌توان به قادر بودن خداوند متعال معنا کرد، یعنی این‌که خداوند هر کاری را در هر زمان و مکانی که بخواهد می‌تواند مافوق هرگونه سازوکاری انجام دهد که البته گاهی مستقیم و مستقل و گاهی دیگران را در انجام آن دخیل می‌کند.

۶- حاصل جمع موارد یاد شده چنین خواهد شد که بدا به معنای حقیقی برای خداوند متعال قابل تصور نیست و اگر بدایی به خداوند نسبت داده شده است از آن جهت است که خداوند امر پنهانی را برای انسان‌ها آشکار می‌کند و این انسان است که احساس دگرگونی و تحول می‌نماید. همچنین اگر در روایاتی مشاهده می‌شود که بدا به خداوند استناد داده شده است، برای این‌که برداشت نادرستی از آن‌ها نشود خود روایات راه‌کارهایی ارائه کرده‌اند که هیچ چالشی را در بحث بدا باقی نمی‌گذارند.

منابع

- قرآن کریم.
ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۶ق.
ابوالفتح رازی، حسن بن علی، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ش.
اخوان مقدم و نبوی، زهرا و سیدمجید، «منبع‌شناسی بداء و موضوع‌های مرتبط با آن»، سفینه، ۱۳۹۵ش، شماره ۵۳، صص ۱۵۲-۱۷۷.
ثامر هاشم، دفاع عن الکافی، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۵ق.
حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح التجرید، قم، نشر اسلامی، ۱۴۳۳ق.
_____، نهج الحق و کشف الصدق، قم، دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
صدوق، محمدبن علی، الاعتقادات، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق-۱۳۷۶ش.
_____، التوحید، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
_____، عیون اخبار الرضا (ع)، قم، شریف الرضی، ۱۳۷۸ش.
طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۵م.
طوسی، محمدبن حسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
علم الهدی، سیدمرتضی، الذخیره فی علم الکلام، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق.
قاضی عبدالجبار اسدآبادی، ابوالحسن احمدبن عبدالجباربن، المغنی فی ابواب التوحید والعدل، بی جا، السدار المصریه للتالیف و الترجمه، بی تا.
کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۰۳ق.
ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، اکسیر العارفین ضمیمه الرسائل، قم، مکتبه مصطفوی، بی تا.
میرداماد، محمدباقر، نبراس الضیاء و تسواء السواء فی شرح باب البداء، تهران، هجرت، ۱۳۴۷ش.